

پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
ماه‌نامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی)، سال نوزدهم، شماره دهم، دی ۱۳۹۸، ۲۷۵-۲۹۳

نگاهی به کتاب‌شناسی انتقادی جامعه‌شناسی تشیع

عبدالرضا نواح*

چکیده

کتاب‌شناسی انتقادی جامعه‌شناسی تشیع کتابی است که نویسندگان در آن به مذهب تشیع از منظری جامعه‌شناسی و با توجه به آثاری که در طی هفت دهه اخیر منتشر شده، پرداخته‌اند. نویسندگان در هر فصل از فصل‌های هشت‌گانه کتاب یکی از موضوعات اجتماعی کاربردی دین را بررسی کرده‌اند. در هر فصل، یکی از تحقیقی‌ترین مقالات پژوهشی با توجه به ویژگی‌هایی چون بررسی جامعه‌شناختی، حجم مقاله، کاربردی بودن پی‌نوشت‌ها تقسیم‌بندی موضوعی شده است. کتاب به دلیل ماهیت تألیف گروهی هماهنگی لازم را به لحاظ محتوا و بررسی موضوع ندارد.

مؤلفان کتاب کوشیده‌اند تا به مذهب تشیع نه از منظر کلامی و فلسفی یا فقهی بلکه از جنبه اجتماعی آن و تأثیراتی که در جامعه و انسجام میان مردم دارد بپردازند. فصل‌های هشت‌گانه کتاب بدین شرح‌اند: تاریخ اجتماعی؛ روحانیت و مرجعیت؛ سیاست و قدرت؛ هنر، ادبیات، و فرهنگ؛ مناسک؛ عرفان و تصوف؛ اماکن مذهبی و زیارت؛ انتظار و مهدویت.

روش به‌کاررفته در این اثر را باید روشی اسنادی و هرمنوتیکال دانست که نویسندگان مقالات مختلف بیش‌تر به شرح برداشت‌های خود از یک کتاب و محتوای آن پرداخته‌اند.

کلیدواژه‌ها: شریعتی، نقد، جامعه‌شناسی، تشیع- تشیع، ایران.

* دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه شهید چمران، اهواز، a_navah@scu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۱۶

۱. مقدمه

پرداختن به دین در دوران معاصر، به‌ویژه در اوایل سال‌های قرن ۲۱، کار سخت و طاقت‌فرسایی است. چرا امروزه دین و امور دینی تا این حد مورد توجه همگان قرار گرفته است، به‌گونه‌ای که هم تأثیر شگرفی در زندگی آدمیان نهاده و هم به‌نوبه خود از زندگی جمعی انسان‌ها تأثیر پذیرفته است؟ با دقت‌نظر بیشتر و مطالعات تطبیقی می‌توان به تفاوت ماهوی سؤالات امروزیان و پیشینیان از دین نیز توجه کرد. چرا ماهیت سؤالات تا بدین حد تغییر کرده است؟ چرا باید به اهمیت جایگاه و کارکرد دین در دنیای کنونی توجه جدی‌تری نشان داد؟ آن‌چه حائز اهمیت است کم‌توجهی به ابعاد اجتماعی دین در دنیای کنونی است که شاید غفلت جامعه‌شناسان از عوامل اصلی بروز آن باشد.

دین اسلام و آیین تشیع، به‌معنای مذهب اکثریت مردم جامعه ایران، از مهم‌ترین ارکان سازنده تاریخ و هویت جمعی مردم ایران بوده که در دوران معاصر اهمیت بیش‌تری پیدا کرده است، زیرا توانسته است یکی از آخرین انقلاب‌های بشری را با ماهیتی اساساً دینی در جهانی بی‌روح (فوکو ۱۳۷۴) به‌انجام رساند.

۲. آشنایی با نویسنده کتاب

کتاب‌شناسی انتقادی زیر نظر سارا شریعتی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، و با همکاری نوزده تن از دانشجویان مقطع تحصیلات تکمیلی رشته جامعه‌شناسی نوشته شده است. سارا شریعتی، متولد ۱۳۴۲ در پاریس، فرزند دکتر علی شریعتی، جامعه‌شناس مسلمان و مشهور ایرانی، و خانم دکتر شریعت رضوی است. تحصیلات ابتدایی را در تهران گذراند و پس از آن، در سال ۱۳۵۴ وارد دبیرستان خوارزمی شد. در ۲۸ خرداد ۱۳۵۶ به لندن نزد پدرش عزیمت کرد و در اوان انقلاب به ایران بازگشت. سارا شریعتی در سال ۱۳۶۰ به‌قصد ادامه تحصیل به پاریس رفت و کارشناسی خود را در رشته انسان‌شناسی تاریخی (۱۳۶۹)، کارشناسی ارشد را در رشته جامعه‌شناسی امور دینی (۱۳۷۴)، و دکتری را در رشته جامعه‌شناسی امور دینی (۱۳۸۰) گرفت.

عنوان رساله او *شرایط امکان مدرنیته دینی، الگوی پروتستان و اصلاح مذهبی در اسلام*، و *وام‌گیری، خویشاوندی و فراروی* (۲۰۰۷) بوده است. از دیگر آثار سارا شریعتی می‌توان به این عناوین اشاره کرد:

۱. هانری دروش؛ جامعه‌شناسی و مواجهه با دین، انتشارات کوچک، ۱۳۸۴؛
۲. خودکاوی ملی در عصر جهانی شدن، گروه مؤلفان، قصیده‌سرا و بنیاد فرهنگی شریعتی (ویکی‌پدیا، ذیل مدخل «سارا شریعتی»).

۳. نقد شکلی کتاب

در تهیه کتاب‌شناسی انتقادی نوزده نفر از دانشجویان مقطع دکتری رشته جامعه‌شناسی با سارا شریعتی همکاری کرده‌اند که کمیت همکاری آن‌ها در این کتاب به شرح زیر است:

- سارا شریعتی با ۴ مقاله؛
- فهیمه بهرامی با ۲ مقاله؛
- یاشار دارالشفاء بدون مقاله؛
- هادی درویشی با ۸ مقاله؛
- آرمان ذاکری با ۱۱ مقاله؛
- کمال رضوی با ۹ مقاله؛
- زهره سروش‌فر با ۸ مقاله؛
- مهدی سلیمانیه با ۸ مقاله؛
- الهام شهسوارزاده با ۶ مقاله؛
- شیما غلام‌رضا کاشی با ۹ مقاله؛
- فضه غلام‌رضا کاشی با ۵ مقاله؛
- شیرین غلامی‌زاده بهبهانی با ۱۰ مقاله؛
- علی اشرف فتحی با ۱۰ مقاله؛
- فاطمه لطفی با ۷ مقاله؛
- محسن حسام‌مظاهری با ۱ مقاله؛
- سمیه مؤمنی با ۶ مقاله؛
- ندا میلانی با ۱ مقاله؛
- الهه نوری با ۱ مقاله؛
- مهدی یوسفی با ۱ مقاله.

در مقاله حاضر، فقط به همین اثر بسنده شده است و تمام ارجاعات به کتاب موردبحث بررسی می‌شود.

۱.۳ علت و ضرورت تدوین کتاب

کتاب جامعه‌شناسی تشیع با مقدمه دوازده‌صفحه‌ای از سارا شریعتی آغاز می‌شود. شریعتی در این صفحات کوشیده است تا هدف خود را از تدوین کتاب به خواننده بشناساند. در ابتدا، از مفهومی به نام علوم اجتماعی ادیان (شریعتی و دیگران ۱۳۹۶: ۱۷) نام می‌برد و آن را کوششی برای تقسیم کار میان علوم مرتبط با دین دانسته است. به‌پنداشت او، علوم اجتماعی معاصر به حوزه مطالعاتی تعمیم یافته و با رویکردی غیرانتقادی و غیرالاهیاتی و با تکیه بر علوم اجتماعی به مطالعه ادیان پرداخته است (همان: ۱۷-۱۸). بنابراین، علوم اجتماعی ادیان صور بنیانی، تاریخی، و امروزی حیات دینی ادیان اولیه، باستانی، شرقی، ادیان و حیانی، و جنبش‌های جدید دینی را به رسمیت می‌شناسد و آن‌ها را موضوع مطالعه خود قرار می‌دهد (همان: ۱۸).

شریعتی معتقد است که این رشته پژوهشی پدیده علمی نوینی در ایران است که در جامعه از نهادهای آموزشی، مراکز پژوهشی، و نشریات تخصصی لازم و کافی برخوردار نیست (همان) و علت آن را هم باید در جداماندن نهاد مشروع دینی و جریان ضددینی بدانیم و اگر نگوئیم غایب بوده‌اند، لاقلاً می‌توان ادعا کرد که مشارکت بسیار اندکی داشته‌اند (همان: ۱۹).

او با استناد به نقل قولی از مارسل موس معتقد است که فقط پدیده‌های دینی وجود دارند و نه یک جوهر به نام دین (همان: ۳۲) و این امر دینی به برداشت او از ویلهم به این چهار شکل می‌تواند نمود پیدا کند: امر جمعی؛ امر مادی؛ امر نمادین؛ و امر تجربی و محسوس (همان: ۲۲-۲۴).

شریعتی در این بحث مقدماتی دین را به مثابه مسئله‌ای غیردینی بررسی کرده است و باور دارد که تشیع در ایران به دلیل حضورش در قدرت سیاسی و در مقام سیاست‌گذار و آمیختگی‌اش با فرهنگ جامعه و سنت تاریخی دارای ویژگی منحصر به فردی شده که آن را با زمینه‌های دیگر متفاوت می‌سازد (همان: ۲۶). به‌باور او و به‌پیروی از مرتضی مطهری، در دوگانه قدرت و حریت، تشیع در ایران معاصر قدرت را برگزید (همان: ۲۷). و همین امر سبب‌ساز شد تا شریعتی و همکارانش به بحثی جامعه‌شناسانه در ارائه کتاب‌هایی که

پیرامون تشیع در ایران نوشته شده رهنمون شوند تا بدین وسیله تشیع را از مقوله‌ای فقط دینی به مسئله‌ای اجتماعی تبدیل کنند.

۲.۳ جامعه‌شناسی تشیع کتابی انتقادی

شریعتی این اثر را که در میان انواع کتاب‌شناسی‌ها (موضوعی یا تحلیلی، عمومی یا گزینشی، توصیفی یا انتقادی) است متعلق به دسته کتاب‌شناسی انتقادی دانسته است، بدین معنا که پس از توصیف و تحلیل هر اثر سنجش و داوری درباره آن به کار گرفته شده است (همان: ۲۸-۲۹).

در بررسی این کتاب‌شناسی، چند نکته مورد توجه گروه نویسندگان قرار گرفته است که البته می‌تواند در جای خود موضوعی برای تحلیل و بحث مستقلی باشد. درخصوص رویکرد جامعه‌شناسانه به مذهب تشیع، این نکات را نویسندگان در نظر داشته‌اند:

۱. آثاری که در دسته جامعه‌شناسی تشیع شناخته می‌شوند، زیرا با توجه به مطالعه میدانی که درخصوص این آثار انجام گرفت، مشخص شد که تعداد کتاب‌های با رویکرد اجتماعی به مذهب تشیع چندان نیست و بنابراین آثاری را که می‌توان تحت عنوان جامعه‌شناسی تشیع نامید از نخستین‌ها به شمار می‌آیند (همان: ۳۰)؛

۲. عدم توجه به آنچه تشیع زیسته می‌توان نامید، بی‌توجهی به زندگی روزمره، پرداختن علمی به تشیع از خلال اصول عقاید و نهادهای وسیع زمینه‌ساز می‌شود که با تصوره‌های کلیدی است و با شکلی از تشیع روبه‌رو شویم، حال آن‌که تشیع زیسته امری متناقض، متکثر مبهم، و ترکیبی است (همان: ۳۰-۳۱)؛

۳. بی‌توجهی به روحانیت و روشن‌فکران در مطالعه اجتماعی تشیع نیز از امور مهمی است که باید در تشیع اجتماعی به آن توجه کرد، زیرا توجه روحانیت بیش‌تر معطوف مباحث کلامی، فقهی، و فلسفی است و روشن‌فکران نیز به جنبه‌های معنوی‌تر دین اسلام توجه کرده‌اند و در این رویکردها به خود تشیع به‌منزله محور اصلی مباحث توجهی نمی‌شود (همان: ۳۱).

از نظر شریعتی، آنچه در این کتاب‌شناسی اهمیت دارد، اتکا بر مطالعه تشیع بر وجه علمی، خنثی، و توصیفی آن بوده است.

جامعه‌شناسی دین می‌بایست به‌پیروی از اغلب کلاسیک‌های این رشته از تحلیل جامعه‌شناختی دین جامعه خود آغاز شود؛ دینی که در این جامعه به دین اکثریت شناخته

می‌شود، در موقعیت مذهبی رسمی کشور قرار گرفته است و هم‌چنین با زندگی، باورها، و رفتارهای مردمان این جامعه درآمیخته است (همان: ۳۲).

درنهایت، عنوان کتاب ماهیتی انتقادی و توصیفی به خود گرفته است. انگاره انتقادی به‌کارگرفته‌شده در عنوان ازسویی دربرگیرنده ماهیت خستی و سخت‌گیری ارزشی را در الزام روش شناختی تلقی کرده و ازدیگرسو خود را در نسبتی سلبی با پروژه نقد دین مارکس، که آن را پیش‌شرط همه نقدها می‌داند، تعریف کرده است تا مرزهای این پژوهش را با هرگونه پژوهش تجویزی و اصلاحی نیز متمایز کند (همان).

۳.۳ نگاهی به چگونگی تدوین اثر

تدوین کتاب از اردیبهشت ۱۳۹۰ زیر نظر سارا شریعتی و با عضویت و همکاری گروهی از دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تهران آغاز شد و با اجماع حداکثری حوزه مطالعه‌ای جامعه‌شناختی تشیع دوازده‌امامی به مرزهای سرزمینی امروز ایران محدود شد (همان: ۳۸).

در همین راستا، گروه کوشید تا با مطالعه پژوهش‌های انجام‌گرفته پیشین و ارزیابی و سنجش آن‌ها به استخراج نظریه‌های اصلی مورد بحث و گفت‌وگوی میان اعضای گروه دست زند و در مطالعه‌ای تطبیقی آن‌ها را با هم‌دیگر مقایسه کند. اولین اقدامی که انجام گرفت، تفکیک کتاب‌ها و پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشگاهی و طرح‌های پژوهشی و مقالات از هم بود.

گام بعدی گروه بسنده‌کردن بر آثار نویسندگان کشورهای اسلامی در قالب متنی یگانه بود و نتیجه‌ای که از این کار به‌دست آمد تفکیک دو دسته آثار از یک‌دیگر بود؛ آثاری با ماهیتی جامعه‌شناختی و آثاری که آشکارا سوگیری اجتماعی داشتند.

گام سوم، آماده‌سازی فهرستی با بیش از یک‌صد عنوان کتاب بود که به پانزده متخصص از حوزه جامعه‌شناسی، حوزه‌های علمیه، و کتاب‌شناسی داده شد تا پس از مطالعه فهرست، نکات اصلاحی را به‌دست آوردند و پس‌از آن، فهرست ارائه‌شده بازبینی شد.

گام آخر، تدقیق فهرست کتاب‌ها بود و تعیین سال ۱۳۹۱ به‌منزله سقف زمانی انتشار رسمی کتاب و کف زمانی انتشار براساس زمان چاپ کتاب تعیین شد (همان: ۴۳).

خلاصه آن‌که از مجموع بیش از یک‌صد کلیدواژه کتاب‌های موردجست‌وجو و از بیش از ۲۱۶۷ کتاب ثبت‌شده در کتاب‌خانه ملی، به ۹۸ عنوان کتاب با ویژگی قرابت زیاد و

متوسط با معیارهای مرجح و در حدود ۸۰ عنوان کتاب واجد قرابت اندک با همان معیارها تشخیص داده شد (همان: ۴۴).

کتاب جامعه‌شناسی انتقادی، بدون در نظر گرفتن مقدمه و فصل تمهیداتی و روشی، این بخش‌ها را در بر دارد:

- عدالت و امامت؛
- تاریخ اجتماعی؛
- روحانیت و مرجعیت؛
- سیاست و قدرت؛
- هنر، ادبیات، و فرهنگ؛
- مناسک (اعیاد و عزاداری)؛
- عرفان و تصرف؛
- اماکن مذهبی و زیارت؛
- انتظار و مهدویت؛
- پیوست‌ها؛
- پیوست ۱. فهرست زمانی کلیه کتاب‌های کتاب‌شناسی حاضر؛
- پیوست ۲. مشخصات نویسندگان.

در ادامه، خواهیم کوشید تا با معرفی هر فصل و شناساندن مهم‌ترین مقاله هر بخشی با توجه به ویژگی‌هایی هم‌چون بررسی جامعه‌شناختی حجم مقاله، کاربردی بودن پی‌نوشت‌ها، و تقسیم‌بندی موضوعی مقاله‌ها مورد ارزیابی مقایسه‌ای قرار گیرد و بدین وسیله بهترین مقاله به خواننده با توجه به ویژگی‌های یادشده معرفی شود.

۴.۳ معرفی بخش‌های کتاب

بخش اول که با عنوان «عدالت و امامت» آمده (همان: ۵۲-۷۱) از سایر بخش‌های کتاب مجزاست و مقدمه‌ای با عنوان «در جست‌وجوی عدالت زمینی» از سارا شریعتی دارد که در حکم تمهیدی بر روح حاکم بر کل فصل است و بررسی دو کتاب *امت و امامت* (رضوی) و *جهت‌گیری طبقاتی اسلام* (ذاکری) انجام گرفته است. این بخش بدین سبب با عنوان «عدالت و امامت» آمده که نویسندگان تشیع را مذهب عدالت و امامت می‌شناسند

(همان: ۵۱). عدالت استمرار توحید شناخته می‌شود و امامت استمرار نبوت؛ لیکن بعدها در تاریخ تشیع اغلب آثار مربوط به عدالت به عدل الهی و عدل‌باوری و امامت همه به امام‌شناسی تحویل شد (همان). لذا واقعیت تاریخی شرایطی که این مفاهیم در آن‌ها شکل گرفته بودند گسسته و به کنار نهاده شدند. به همین سبب، از میان صدها منبع در زمینه امامت و عدالت، در این بخش فقط همین دو اثر بررسی و تحلیل شده است.

بخش اول، با عنوان «تاریخ اجتماعی» (همان: ۷۳-۲۸۹)، بررسی ۳۳ کتاب در ۲۱۶ صفحه را در بر دارد. مقدمه این بخش را هادی درویشی با عنوان «رویکرد اجتماعی و کلامی به تاریخ تشیع، نسبت‌ها و رابطه‌ها» نگاشته و در آن، ضرورت تدوین چنین فصلی را شرح داده است. او معتقد است که این حوزه به دلیل گستردگی مفهوم «اجتماعی» موضوعات گوناگونی از قبیل تشیع، شکل‌گیری ایران اسلامی، قیام امام حسین (ع)، غیبت، آمدن سلسله صفویان، و انقلاب مشروطه تا پیروزی انقلاب اسلامی را در بر می‌گیرد.

این بخش از کتاب را باید طولانی‌ترین بخش و البته مهم‌ترین بخش کتاب به حساب آورد. در نگارش این بخش، ذاکری با ۸ مقاله، فتحی ۶، درویشی ۵، سلیمانیه ۳، شریعتی و شهسوارزاده ۲، بهرامی لطفی، سروش فروشیم، و فضه غلام‌رضا کاشی هریک با ۱ مقاله همکاری داشته‌اند. کتاب مکتب در فرایند تکامل (مدرس طباطبایی ۱۳۸۶) را رضوی به بهترین صورت بررسی کرده و در ضمن، طولانی‌ترین مقاله این بخش در ۲۱ صفحه است. این مقاله را از جنبه‌های بررسی جامعه‌شناختی، تعداد صفحات، حجم، کاربردی بودن پی‌نوشت‌ها، و تقسیم‌بندی موضوعی علمی‌تر و هماهنگ‌تر با اهداف علمی و اهداف موردنظر تدوین‌کنندگان کتاب باید دانست.

نکته مهم در این بخش آن‌که در سال‌های اخیر نگاه جامعه‌شناختی به قیام امام حسین (ع) پررنگ‌تر شده و به نظر می‌رسد اگرچه این رویکرد در ابتدای راه خود است، در آینده نزدیک می‌توان به مقایسه و تأثیرات این نوع نگاه در کنار نگاه دینی و کلامی پرداخت و توانایی رویکرد اجتماعی به امر دینی را به بوتۀ نقد و آزمون نهاد (شریعتی و دیگران ۱۳۹۶: ۷۴).

بخش دوم کتاب، که عنوان «روحانیت و مرجعیت» دارد و از صفحه ۲۸۹ تا ۴۲۹ کتاب را به خود اختصاص داده است، در مجموع، ۱۷ کتاب را در ۱۴۰ صفحه بررسی کرده است. مقدمه این بخش را کمال رضوی با عنوان «غلبه سیاست در تحلیل جایگاه روحانیت» نوشته است. او معتقد است که از نیمه دهه ۱۳۷۰ موجی از مطالعات اجتماعی و سیاسی را مشاهده می‌کنیم که روحانیت را موضوع پژوهش خود قرار داده است. شاید چنین موجی

ناشی از کثرت تولیدهای علوم اجتماعی و انسانی در ایجاد هم باشد که لزوماً به معنای اهمیت روحانیت به مثابه سوژه پژوهش نیست (همان: ۲۸۹).

در این بخش، رضوی با ۶، سلیمانیه ۳، فضه غلام‌رضا کاشی با ۲، شریعتی، نوری، مؤمنی، و لطفی هریک با یک مقاله مشارکت داشته‌اند.

طولانی‌ترین و مناسب‌ترین مقاله علمی براساس عناصر چهارگانه پیش‌گفته درباره کتاب تحول حوزه علمیه پس از انقلاب اسلامی، نوشته علی شیرخانی و عباس زارع (۱۳۸۴) است که در ۱۵ صفحه، مهدی سلیمانیه آن را نوشته است و در آن علاوه بر توصیف جامع کتاب به تحلیل اجتماعی، تقسیم‌بندی موضوعی، و پی‌نوشت‌های کاربردی و مناسب نیز توجه کرده است.

بررسی حوزه علمیه، به مثابه جایگاه نهادی، ایفای نقش آموزشی و تبلیغی روحانیت نیز از محورهای پژوهش‌های صورت گرفته است که در حدود ۱/۴ کتاب‌های برگزیده این حوزه را به خود اختصاص داده است (شریعتی و دیگران ۱۳۹۶: ۲۹۰).

بخش سوم، با عنوان «سیاست و قدرت» (همان: ۴۲۹-۵۲۱)، دربرگیرنده ۱۴ مقاله در ۹۲ صفحه است. مقدمه این بخش را آرمان ذاکری با عنوان «تشیع سیاسی، ذات یا تاریخ» در ۵ صفحه نگاشته که طولانی‌ترین مقدمه این بخش‌های هشت‌گانه است و همانند سایر مقدمه‌ها نگاهی کلی و تمهیداتی بر مباحث طرح شده دارد.

طولانی‌ترین مقاله این بخش با ۱۴ صفحه متعلق به کتاب جامعه مدنی، دولت، و نوسازی در ایران از مسعود کمالی (۱۳۸۱) است و نگارش آن به‌عهده سعید مؤمنی بوده و طولانی‌ترین و حقیقی‌ترین مقاله این بخش نیز به‌شمار می‌رود.

بخش چهارم با عنوان «هنر، ادبیات، و فرهنگ» (شریعتی و دیگران ۱۳۹۶: ۵۲۱-۵۸۹) است و با مقاله ۴ صفحه‌ای سمیه مؤمنی با عنوان «تعزیه، هنر غالب در میان هنرهای شیعی» نوعی نگاه تقلیل‌گرایانه به این بخش دارد. این بخش ۱۳ کتاب را در ۶۸ صفحه بررسی کرده و یکی از دو بخشی است که همه نویسندگان آن از بانوان‌اند. مؤمنی با ۴ مقاله، شیما غلام‌رضا کاشی با ۳ مقاله، زهره سروش‌فر، فضه غلام‌رضا کاشی، و فاطمه لطفی هریک با ۲ مقاله در آن حضور دارند.

در این بخش، سؤالاتی که قابل طرح برای نویسندگان است بدین ترتیب است: ۱. چه هنرهایی در بستر تشیع در قرون متمادی رشد کرده‌اند؟ ۲. چه هنرهایی پیام‌رسان تشیع بوده‌اند؟ ۳. جایگاه تشیع در فرهنگ عامه مردم چه بوده و زمینه‌های اجتماعی رشد و محدودیت هنر در جوامع شیعی چه بوده است؟ (همان: ۵۲۱).

طولانی‌ترین مقاله این بخش با عنوان «ادبیات سیاسی تشیع» (آینه‌وند ۱۳۸۷) در هفت صفحه به قلم فاطمه لطفی است که ویژگی‌های مقالات مناسب بخش‌های پیشین را در بر دارد.

بخش پنجم عنوان «مناسک (اعیاد و عزاداری)» را دارد که از صفحه ۵۸۹ تا ۶۲۷ است و با مقدمه سه صفحه‌ای فاطمه لطفی آغاز می‌شود که در آن نگاهی کلی به فصل ارائه می‌شود. این بخش در مجموع ۷ کتاب را در ۳۸ صفحه بررسی کرده است. شهسوارزاده با ۴ عنوان، لطفی ۲ عنوان، و احسان مظاهری با یک عنوان مقاله در این بخش همکاری داشته‌اند. طولانی‌ترین و محققانه‌ترین مقاله این بخش متعلق به احسان مظاهری است که علاوه بر ویژگی‌های مطرح‌شده، کتاب *رسانه شیعه* (۱۳۸۷)، نوشته محسن حسام مظاهری، را بررسی کرده است.

لطفی در مقدمه این بخش معتقد است که از طریق مناسک است که وجوه تمایز بخش و مختص جامعه شیعی به‌طور عینی به ظهور و بروز گذاشته می‌شود و به‌نظر می‌رسد که این حوزه بیش‌تر با عزاداری‌ها پیوند خورده باشد و در این زمینه نیز عزاداری‌های واقعه عاشورا پررنگ‌تر است و غلبه دارد (شریعتی و دیگران ۱۳۹۶: ۵۸۹). او در ضمن یادآوری کرده که مناسک شیعی از نمایان‌ترین وجوه جامعه شیعی است و فقط از میانه دهه ۱۳۷۰ و به‌طور جدی از دهه ۱۳۸۰ بوده که تأمل پژوهش‌گران حوزه علوم اجتماعی را برانگیخته است (همان).

بخش ششم، با عنوان «عرفان و تصرف» (همان: ۶۲۷-۶۶۹)، با مقدمه پنج صفحه‌ای زهره سروش‌فر و با عنوان «تشیع و تصوف، تشابه یا تضاد» به بررسی ۵ کتاب در ۴۲ صفحه پرداخته است. در این بخش، سروش‌فر ۴ مقاله و مهدی یوسفی یک مقاله دارد و علمی‌ترین و طولانی‌ترین مقاله (۱۱ صفحه) از سروش‌فر در بررسی کتاب *هم‌بستگی میان تشیع و تصوف*، نوشته کامل مصطفی الشیبی ۱۳۵۳، است که گرچه علمی‌ترین مقاله این بخش است به کیفیت مقالات پیشین، به‌لحاظ تعداد صفحات، پی‌نوشت‌های کاربردی، تحلیل جامعه‌شناختی، و توصیف و معرفی کتاب، نیست.

سروش‌فر در مقدمه این بخش این سؤالات را مطرح کرده است: میان تشیع و تصوف چه رابطه‌ای برقرار است؟ چگونه می‌توان این دو رویکرد را با یکدیگر مرتبط کرد؟ (شریعتی و دیگران ۱۳۹۶: ۶۲۷). با وجود آن‌که عرفان و تصوف تاکنون کم‌تر موضوع مطالعه و پژوهش رشته‌هایی مانند جامعه‌شناسی بوده است، ظهور و رشد سریع پدیده‌ای به‌نام

عرفان‌های جدید و توجه ویژه سیاست‌گذاران کشور به آن‌ها موجب شده است که آثاری با رویکردی جامعه‌شناختی در قالب پایان‌نامه در دانشگاه تولید شود (همان: ۶۲۸).

بخش هفتم کتاب به اماکن مذهبی و زیارت (همان: ۶۶۹-۶۹۵) پرداخته که در ۲۶ صفحه و با یک مقدمه سه‌صفحه‌ای از شیما غلام‌رضا کاشی، باعنوان «زیارت‌نامه پرننگ میان مردم، کم‌رنگ در پژوهش‌ها»، به‌نگارش درآمده است. شیما غلام‌رضا کاشی سه مقاله و فاطمه لطفی یک مقاله در این فصل دارد. همه مقالات این بخش از حجم نسبی هفت‌صفحه‌ای برخوردارند و تحقیقی‌ترین بخش به کتاب تبیین جامعه‌شناختی مشارکت مردم در مساجد از فریبا شایگان (۱۳۸۹) پرداخته است که به‌قلم فاطمه لطفی است و از همان ویژگی‌های مقالات برتر بخش‌های پیشین بهره می‌برد.

شیما کاشی در مقدمه این بخش می‌نویسد که از مهم‌ترین نمادهای تصویری شیعیان در کنار نمادهای عاشورایی، تصاویری از گنبد و بارگاه زیارتگاه‌هاست. باین‌حال، زیارت و مکان‌های مذهبی هیچ‌گاه به‌اندازه مناسب عاشورایی برای پژوهش‌گران جالب‌توجه نبوده است (شریعتی و دیگران ۱۳۹۶: ۶۶۹).

آخرین بخش کتاب، یعنی فصل هشتم، باعنوان «انتظار و مهدویت» است (همان: ۶۹۸-۷۰۵) و با یک مقدمه چهارصفحه‌ای از نسیم بهرامی آغاز شده است و به بررسی یک کتاب در ده صفحه پرداخته است. این بخش مختصرترین و کوتاه‌ترین بخش‌های این اثر است و هر دو مقاله ماهیتی توصیفی دارند.

فهیمة بهرامی در مقدمه این فصل می‌نویسد هنگامی که سخن از شیعه دوازده‌امامی به‌میان می‌آید، از اولین موضوعاتی که به ذهن می‌رسد، اعتقاد شیعیان به امام دوازدهم است؛ امامی که با غیبت در سال ۲۶۰ ق تشیع را وارد مرحله دیگری از حیات خود کرده و از آن زمان تاکنون انتظار اصلی برای شیعیانی شد که معتقد بودند مهدی آخرین امام است و روزی دوباره ظهور خواهد کرد. این اصل در تشیع نه تنها به‌خودی‌خود واجد وجوه اجتماعی قابل توجهی است، بلکه در طول تاریخ موجب جریان‌ها، تفکرات، نحله‌ها، و آیین‌های گوناگون شده است. بنابر اقتضای شرایط سیاسی و اجتماعی دوران در برهه‌های مختلف، شاهد بروز جنبش‌ها و جریان‌هایی بوده‌ایم که به‌نام مهدویت خواهان تغییر و تحولاتی در سطح سیاسی و اجتماعی بوده‌اند (همان: ۶۹۵).

پیوست‌های کتاب دو جزء دارد. در پیوست اول، همه کتاب‌های موردبررسی براساس سال انتشار، از گذشته تا به امروز، تدوین شده است. اولین کتاب منتشرشده طبق این

جمع‌آوری از سیداحمد کسروی با عنوان شیعه‌گری است. کل این پیوست در ده صفحه تدوین شده است؛ در پیوست دوم، مشخصات همکاران کتاب‌شناسی به شرح زیر آورده شده است:

سارا شریعتی با ۲ مقدمه و ۴ مقاله؛

سمیه بهرامی با ۱ مقدمه و یک مقاله؛

یاشار دارالشفاء بدون همکاری نوشتاری؛

هادی درویشی با ۱ مقدمه و ۸ مقاله؛

آرمان ذاکری با ۱ مقدمه و ۱۱ مقاله؛

کمال رضوی با ۱ مقدمه و ۹ مقاله؛

زهره سروش‌فر با ۱ مقدمه و ۸ مقاله؛

مهدی سلیمانیه با ۸ مقاله؛

الهام شهباززاده با ۶ مقاله؛

شیمای غلام‌رضا کاشی با یک مقدمه و ۹ مقاله؛

فضه غلام‌رضا کاشی با ۵ مقاله؛

شیرین غلامی‌زاده بهبهانی با یک مقاله؛

علی اشرف فتحی با ۱۰ مقاله؛

فاطمه لطفی با یک مقدمه و ۷ مقاله؛

محسن حسام‌ظاهری با یک مقاله؛

ندا میلانی با یک مقاله؛

الهه نوری با یک مقاله؛

مهدی یوسفی با یک مقاله.

۴. نقد محتوایی کتاب

کتاب جامعه‌شناسی تشیع در نوع خود کتابی است کم‌نظیر؛ بدین معنا که تاکنون مجموعه‌ای بدین شکل با همکاری جمعی و معطوف به موضوع واحدی دیده نشده است. سال‌های پیش با همکاری جمعی یوسف‌علی اباذری و مراد فرهاد (۱۳۷۲) شاهد کوششی کم‌وبیش مشابه در انتشار کتاب *ادیان جهان باستان* (۱۳۷۲) و فصل‌نامه وزین

ارغنون بوده‌ایم، لیکن آن فصل‌نامه، اگرچه محصول همکاری گروهی اندیشمند و صاحب‌نظر در زمینه مسائل علوم انسانی بود، آنچه در آن اهمیت داشت در مقایسه با موضوع موردبررسی پژوهش‌گران این کتاب تفاوت‌های آشکاری دارد. در هر حال، این کتاب در نوع خود اولین به‌نظر می‌رسد و به همین سبب، چون اولین کوشش در چنین زمینه‌ای است، واضح است که کمی و کاستی‌های آن وسیع‌تر به چشم خواننده آید. هر اثر جدی و اولین از کاستی‌ها به‌دور نیست. در ادامه، به بعضی نکات مثبت و منفی اثر خواهیم پرداخت.

۱.۴ نکات مثبت

۱. ارائه یک کارگروهی نادر: این کتاب با یاری و همکاری نوزده تن زیر نظر سارا شریعتی آغاز شده و به سرانجام نیکویی هم رسیده است. این سبک فعالیت‌های جمعی علمی در ایران معاصر امری نادر است. برای مثال، شاید به‌جا باشد که به اثر بالارزش و ماندگار سیزده‌جلدی هوشنگ اتحاد، با عنوان *پژوهش‌گران معاصر ایران (۱۳۸۱-۱۳۸۸)*، اشاره شود که یک‌تنه به تدوین و انتشار این اثر مهم پرداخته است. معمولاً چنین کارهایی محصول کار گروهی منسجم و هماهنگ عده‌ای اندیشمند هم‌فکر است. در هر حال، امید می‌رود این تجربه در حد همین یک اثر باقی نماند و کتاب حاضر الگوی مناسبی برای پژوهش‌های دیگر در این حوزه باشد.

۲. معرفی زبده‌ترین کتاب‌های مرتبط با مذهب و آیین تشیع: این معرفی از دو جنبه حائز اهمیت است. اول آن‌که این آثار در همه زمینه‌های هشت‌گانه آن می‌تواند به‌نحو کلان با پدیده مذهب تشیع پیوند برقرار کند. بنابراین، خواننده به‌راحتی می‌تواند با بیش از یک‌صد کتاب در این زمینه (باتوجه به منابع استفاده‌شده در پی‌نوشت‌ها) آشنا شود، دیگر آن‌که این کتاب، به‌نحوی به آیین تشیع در جنبه زیست‌جمعی آن پرداخته است که قادر است علاوه بر افزایش سطح سواد و آگاهی دینی و مذهبی، به تعمیق نگاه خواننده از منظر جامعه‌شناختی یاری برساند.

۳. از جنبه‌های نیکوی دیگر این اثر می‌توان به تدوین و فراهم‌آوری کتاب‌های موردبررسی در این کتاب‌شناسی تاریخی به‌شکل روندی تکاملی از گذشته تا به امروز اشاره کرد. این تدوین تاریخی ابزاری به‌دست پژوهش‌گرانی می‌دهد که از منظر تاریخی تکاملی به زایش و تدوین آثار و تأثیر آن‌ها در هم توجه دارند.

۴. مشخص کردن وزن نسبی موضوعات هشت‌گانه: این ویژگی نشان‌دهنده وزن نسبی هرکدام از موضوعاتی است که در کتاب بررسی شده است. بین وزن نسبی فصل اول (تاریخ اجتماعی) با حدود ۲۱۶ صفحه و ۳۳ مقاله با فصل هشتم (انتظار و مهدویت) تنها با دو مقاله و ده صفحه مطلب این فاصله را می‌توان احساس کرد. گذشته از جنبه صوری و آماری، از نتایج این ویژگی می‌توان در بهینه‌سازی برنامه‌ریزی‌های مذهبی و تعدیل فاصله میان وجوه هشت‌گانه براساس ضرورت نیز بهره برد.

۵. ویژگی مهم دیگر اثر فراتر رفتن از تجلیل و رسیدن به بررسی و تحلیل و نقد است که نیاز مبرم جامعه امروز ماست. در این اثر، پژوهش‌گران جوان به رویارویی نام‌آوران ملی عرصه تشیع رفته‌اند و از مواجهه مستقیم با آنان هراس نداشته‌اند و از فلج فکری شایعی که دامن‌گیر نسل گذشته بوده است عبور کرده‌اند. اعضای گروه توانسته‌اند با نگاهی زمینی و درگذر زمان، به تحلیل و نقادی منصفانه از آثار این بزرگان همت نهند و بدین وسیله هم به ماندگاری منصفانه‌تر آنان در خاطره جمعی ایرانیان کمک کنند و هم دلایل نگارش آثار آنان را از منظر جامعه‌شناسی تاریخی به نقد و بررسی بکشانند.

۶. آخرین نکته‌ای که در این چهارچوب به آن اشاره باید کرد، کاربردی بودن اثر موردنظر است؛ کاربردی بودن برای بسیاری علاقه‌مندان این حوزه زمینه‌ساز پژوهش‌های دقیق‌تر علمی، هم به لحاظ موضوع و هم روش، می‌تواند باشد.

۲.۴ بعضی نکات قابل تأمل

در ابتدا لازم است اشاره شود که این نقد به دو قسمت تقسیم شده است؛ در بخش الف، به اشاره‌ای اجمالی از ایراداتی که به هر یک از بخش‌ها وارد است، پرداخته شده و سپس در قسمت ب سایر نکات قابل تأمل کتاب به نحو فشرده آورده شده است.

۱.۲.۴ نقدهای وارد به مباحث جزئی کتاب

۱. در بخش مربوط به تاریخ اجتماعی مذهب تشیع در نهایت این سؤال مطرح می‌شود که رابطه و نسبت رویکرد اجتماعی با رویکرد الاهیاتی و کلامی چیست و ابزارهای نظری، هم‌چون نظریات جامعه‌شناختی، تا چه حد به تبیین و تحلیل مسائل اعتقادی‌ای قادرند که در حوزه اجتماعی پی‌آمدهای وسیعی به دنبال دارند (شریعتی و دیگران ۱۳۹۶: ۷۵).

۲. در بخش مربوط به روحانیت و مرجعیت نکته مهم آن که میان نخستین کتاب برگزیده در این حوزه به لحاظ تاریخ نشر (مشکل اساسی سازمان روحانیت) و آخرین کتاب (دین در ایران عصر پهلوی دوم) می‌توان شباهت رویکرد را ملاحظه کرد. هر دو اثر کوشیده‌اند از روحانیت فاصله‌ای انتقادی بگیرند و به بحث درباره موقعیت اجتماعی روحانیت پردازند. نکته اخیر به‌ویژه در خصوص کتاب دین در ایران عصر پهلوی دوم پررنگ‌تر است. شاید بتوان چنین روندی را نویددهنده آغاز بررسی وجوه مختلف نهاد روحانیت از منظری جامعه‌شناختی تلقی کرد (همان: ۲۹۰).

۳. در بخش مربوط به رابطه سیاست و قدرت می‌توان گفت که در تحلیل نهایی کم‌تر می‌توان از خلال آثار این حوزه به تصویری جامع در نسبت تشیع و سیاست دست پیدا کرد. در حالی که چرایی شکل‌گیری نسبت‌های متفاوت با حاکمیت سیاسی در میان جریان‌های مختلف شیعی و در دوره‌های مختلف پرسشی است که فقط می‌توان با کمک‌گرفتن از تحلیل‌های سیاسی اجتماعی از تشیع تاریخی به آن پاسخ گفت؛ مسئله‌ای که بر ضرورت مطالعات جمعی در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی تشیع می‌افزاید (همان: ۴۳۲).

۴. در بخش هنر، ادبیات، و فرهنگ که رابطه تشیع با انواع هنرها را بررسی کرده است می‌توان گفت که این حوزه به دلیل پژوهش‌های اندک با رویکرد اجتماعی تا زمان کنونی حوزه‌ای وسیع و بکر برای اصحاب علوم اجتماعی است. شاید از این ره‌گذر با نگاه اجتماعی به فرهنگ و هنر شیعی در دوره‌های مختلف تاریخی خلأ عمومی در این زمینه مرتفع شود (همان: ۵۲۲).

۵. در بخش مرتبط با موضوع مناسک (اعیاد و عزاداری) می‌توان گفت که مناسک شیعی از نمایان‌ترین وجوه جامعه‌شناسی شیعی است و فقط از میانه دهه ۱۳۷۰ و به‌طور جدی از دهه ۱۳۸۰ تأمل پژوهش‌گران حوزه علوم اجتماعی را برانگیخته است (همان: ۵۸۹).

هم‌چنین، خلأ پژوهش‌های علمی درباره دیگر مناسک مهم شیعی هم‌چون جشن‌ها، اعیاد، و مولودی که مجالس توسل و نذر و نذورات است محسوس است و توجه جدی به واقعیت ساختار، احیا، و بازتولید مناسک توسط گفتمان رسمی و غیررسمی سال‌های اخیر از دیگر موضوعات مغفول و مهم در این پژوهش به‌شمار می‌رود (همان: ۵۹-۹۱).

۶. در بخش عرفان و تصوف، با این‌که عرفان‌های جدید فقط مختص به جامعه ایران نیست و در دیگر جوامع (به‌ویژه جوامع غربی) هم دیده می‌شود، به‌جاست که این پرسش مطرح شود در جامعه‌ای که اکثریت شیعه‌اند و حکومتی شیعی بر آن‌ها حکم می‌راند، چه‌طور می‌توان چنین پدیده‌ای را توضیح داد (همان: ۶۲۸).

۷. در بخش مرتبط با اماکن مذهبی و زیارت می‌توان گفت که تعداد اندک آثار در این زمینه سبب شده که موضوعات بسیاری در این حوزه قابلیت مطالعات جامعه‌شناختی داشته باشند؛ از جمله مطالعه علت‌ها و پی‌آمدهای اجتماعی گسترش زیارت و زیارتگاه‌ها در ایران، تفاوت زیارتگاه‌های رسمی و غیررسمی، انواع تجربه‌های زیارتی در ایران؛ مبنای بستر اجتماعی شکل‌گیری این تجربیات، مسئله افزایش مکان‌های زیارتی در سه دهه اخیر، مقایسه تفاوت‌ها و نسبت‌های جایگاه مسجد و زیارتگاه در میان شیعیان، کارکردهای جانبی مکان مقدس در شهرهای کوچک در میان طبقات اجتماعی مختلف، نقش دولت‌ها در تحول مکان‌های مذهبی. هریک از این موضوعات می‌تواند عناوین پیش‌نهادی برای پژوهش‌گران این حوزه باشد.

۲.۲.۴ نقدهای کلی وارد بر کتاب

بعد از نقد بر بخش‌های مختلف، می‌توان نقدهایی کلی نیز بر کتاب وارد دانست که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱. در عنوان روی جلد و در مقدمه اثر از دو واژه در معنای کلی آن‌ها استفاده شده است: «تشیع و نقد» که به نظر می‌رسد به بازنگری و دقت نظر افزون‌تری نیاز باشد. تشیع مفهومی است که به گروهی از مسلمانان معتقد به خلافت علی (ع) اطلاق می‌شود. بنابراین، آنچه نخست در ذهن خواننده نقش می‌بندد، اشکال متعدد و تاریخی تشیع (دوازده‌امامی، اسماعیلی، و زیدی) است، حال آن‌که آنچه در این کتاب بررسی شده، فقط همان گروه اول است. به نظر لازم می‌رسد که نویسندگان در چاپ بعدی کتاب در به‌کاربردن این مفهوم تأمل و دقت کنند.

توضیحی هم که شریعتی در مقدمه کتاب (همان: ۳۲) در خصوص به‌کارگیری واژه انتقادی مطرح می‌کند، اگرچه با آنچه به‌طور عام در فرهنگ‌ها آورده شده هماهنگ است، خواننده انتظار دارد که کل اثر از نگاه دقیق نقادانه‌ای برخوردار باشد که به بررسی جدی‌تر و منصفانه‌تر آثار بپردازد، اما ملاحظه می‌کنیم که تعداد قابل توجهی از کتاب‌های بررسی‌شده از نقد مبرایند و از چشم ناقدان پوشیده ماندند. پیش‌نهاد می‌شود که در چاپ بعدی کتاب توضیح بیش‌تری درباره واژه نقد مورد نظر نویسندگان به خواننده داده شود.

۳. به‌رغم آن‌که فصل‌های هشت‌گانه کتاب براساس سیر زمانی گذشته به امروز باب‌بندی شده، رابطه تکاملی و دیالکتیکی آثار قبل و بعد بر هم در این اثر دیده نمی‌شود و

اگرچه قاعدتاً قراردادن کتاب‌ها برپایه سال نگارش آن‌ها مبین تأثیرگذاری آثار پیشین در آثار پسین است، این نگاه در این کتاب‌شناسی مورد استفاده نبوده است.

۴. به نظر می‌رسد قائل شدن به تمایز میان بخش اول (عدالت و امامت) از سایر فصل‌های هشت‌گانه کتاب چندان مفهومی نباشد، ضمن آن‌که شریعتی خود نیز توضیح روشنی درباره این مسئله به دست نمی‌دهد و شایسته بود که این فصل را به نحوی در فصل‌های دیگر ادغام می‌کردند و کتاب را یک‌دست‌تر به دست خواننده می‌رساندند.

۵. اگرچه می‌توان از ارائه یک الگوی برای بررسی کتاب‌ها سخن گفت، مقالات کتاب از پیاده کردن هماهنگ الگوی واحد طفره می‌روند. به همین سبب، نیز بعضی از مقالات خواندنی‌تر و کاربردی‌تر از بقیه است و تعدادی از آن‌ها به توصیف خلاصه یک اثر بسنده کرده‌اند. مطلوب است در چاپ‌های بعدی کتاب هماهنگی بیش‌تری براساس الگویی واحد در پی گرفته شود که متشکل از عناصری هم‌چون توصیف، تحلیل، نقد، پی‌نوشت‌های کاربردی از منابع مرتبط، شناساندن اجمالی نویسنده، و ربط موضوع کتاب با آثار پیشین باشد.

۶. بعضی مقالات انتقادی‌تر نوشته شده‌اند و درمقابل، بعضی از نویسندگان از همان ابتدا مرعوب نام و جایگاه اجتماعی نویسنده قرار گرفته‌اند و به‌رحال خواننده این برداشت را دارد که در بعضی مقالات انصاف علمی چندان رعایت نشده است.

۷. اثر از جمع‌بندی نهایی و ارائه راه‌کارهایی برای پژوهش‌ها و پژوهش‌گران بعدی بی‌بهره است.

۸. بی‌توجهی به بعضی کتاب‌ها که می‌توانستند در کنار کتاب‌های بررسی شده مورد مطالعه و نقد قرار گیرند؛ برای مثال، به چهار عنوان زیر اشاره می‌شود:

- عنایت، حمید (۱۳۸۶)، *اندیشه سیاسی در اسلام معاصر*، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی؛

- جعفریان، رسول (۱۳۸۲)، *تاریخ تشیع در ایران*؛

- دیدگاه‌ها، مجموعه مصاحبه‌ها، دفتر اول (۱۳۷۴)، ویراسته زهرا احسانی؛

- *اندیشه عاشورا* (۱۳۷۷)، ویراسته زهرا احسانی.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

کتاب‌شناسی انتقادی جامعه‌شناسی تشیع اثر درخور توجهی است که به‌همت سارا شریعتی و نوزده تن از همکاران جوان وی، پس از چند سال کار و کوشش، به بازار عرضه شده

است. این کتاب در نوع خود می‌تواند به مطالعات جامعه‌شناسانه در باب دین و مذهب کمک‌رسان باشد و برای پژوهش‌گران این حوزه علمی الگوی مناسب و علمی به‌منظور تحقیق و پژوهش عرضه کند. کتاب‌شناسی انتقادی را باید کتابی جدی به‌حساب آورد، زیرا توانسته است به حدود یک‌صد اثر مهم در زمینه مطالعات اجتماعی آیین تشیع راه‌برد و اسطوره‌نام‌ها و شخصیت‌های دوران‌ساز را موردسؤال جدی علمی قرار دهد. انتشار بیش‌تر کارهایی از این دست زمینه‌ساز فضای انتقاد جدی به اندیشه‌سازان این حوزه شده و حقیقت را به امری سیال و میان‌ذهنی و تاریخی تبدیل می‌کند تا شاید به‌مدد این امر بتواند به جهان درحال مبارزه با جهل و خرافه تحت‌عنوان دین و مذهب کمک کند. از دستاوردهای مهم این کتاب می‌توان به غلبه امور سیاسی و اجتماعی در قیاس با حوزه‌های هنر و عرفان و تصوف اشاره کرد که برای برنامه‌ریزان اجتماعی آگاهی به این مهم دست‌آویز گران‌سنگی به‌منظور برنامه‌ریزی‌های بعدی برای جلوگیری از بروز خطر رادیکالیسم مذهبی باشد.

کتاب‌نامه

- آینه‌وند، صادق (۱۳۸۷)، *ادبیات سیاسی تشیع*، تهران: علم.
- اباذری، یوسف و دیگران (۱۳۷۲)، *ادیان جهان باستان*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- اتحاد، هوشنگ (۱۳۸۱)، *پژوهش‌گران معاصر ایران*، تهران: فرهنگ معاصر.
- حسام مظاهری، محسن (۱۳۸۷)، *رسانه شیعه*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- شایگان، فریبا (۱۳۸۹)، *تبیین جامعه‌شناختی مشارکت مردم در مساجد*، تهران: جامعه‌شناسان.
- شریعتی، سارا (۱۳۸۶)، *هانری دروش؛ جامعه‌شناسی در مواجهه با دین*، تهران: کوچک.
- شریعتی، سارا و دیگران (۱۳۹۶)، *کتاب‌شناسی انتقادی جامعه‌شناسی تشیع*، تهران: نگاه معاصر.
- الشیبی، کامل مصطفی (۱۳۵۳)، *هم‌بستگی میان تشیع و تصوف*، ترجمه علی‌اکبر شهابی، تهران: دانشگاه تهران.
- شیرخانی، علی و عباس زارع (۱۳۸۴)، *تحولات حوزه علمی قم پس از پیروزی انقلاب اسلامی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- فرامرزی، فاطمه (۱۳۹۱)، *دین در ایران عصر پهلوی دوم*، تهران: علم.
- فوکو، میشل (۱۳۷۴)، *ایران، روح یک جهان بی‌روح*، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران: نشر نی.
- کسروی، احمد (۱۳۲۲)، *شیعه‌گری*، تهران: پیمان.

نگاهی به کتاب‌شناسی انتقادی جامعه‌شناسی تشیع ۲۹۳

کمالی، مسعود (۱۳۸۱)، *جامعه‌مدنی، دولت و نوسازی در ایران معاصر*، تهران: نشر باز.
مدرسی طباطبایی، سیدحسین (۱۳۸۶)، *مکتب در فرایند تکامل*، ترجمه هاشم ایزدپناه، تهران: کویر.
ویکی‌پدیا، دانش‌نامه آزاد: <<https://www.wikipedia.org>>

Bernadorf, Wilhelm (1980), *Internationals Sociologie Lexica*, Hamburg: Enke.

